

Research Paper

Gwadar or Chabahar: A study of the strategies of regional and Trans-regional powers

Majid Abbasi¹, Reza Bakhshiani², Ahmad Kazemi gorji^{*3}

¹ Faculty Member of the Political Science and International Relations Department, Allameh Tabataba'i University Faculty of Law and Political Science

² PhD student in Economics, Faculty of Management and Economics, Sharif University of Technology

³ PhD student in Business Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University



10.22080/JPIR.2022.21329.1214

Received:

May 8, 2021

Accepted:

April 24, 2022

Available online:

May 31, 2022

Keywords:

English One-Belt One-Road Initiative ,China-Pakistan Economic Corridor ,Regional and Trans-Regional Power Competitions ,Convergence theory ,Iran-China cooperation.

Abstract

Findings show that under the leadership of the United States and with the support of India and Pakistan, the game has been formed in the region, the outcome of which is to create a gap between Iran and China in order not to develop transit routes on both sides in Chabahar port. To that end, the United States became a major player in two regional alliances in South and West Asia. On the one hand, with the US green light, Pakistan was allowed to accompany China in the corridor. On the other hand, in order to ensure Iran's unwillingness for China to be present at the Chabahar port, in 2016 India, as a strategic partner of the United States, entered into the India-Iran-Afghanistan trilateral agreement to develop the Chabahar port. In order to continue this strategy, after the imposition of unilateral US sanctions against Iran, Indian investments in the port of Chabahar were exempted from this embargo. Thus, with the government of the Islamic Republic of Iran turning to China's regional rival for the development of Chabahar port in 2016, as well as China's \$ 62 billion investment in the China-Pakistan corridor, the opportunity for Iran-China cooperation to develop Chabahar port was taken away from both sides.

***Corresponding Author:** Ahmad Kazemi gorji

Address: PhD student in Business Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University

Email: Ak.gorji@gmail.com

علمی پژوهشی

گوادر یا چابهار؛ بررسی راهبردهای قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

دکتر مجید عباسی^۱، رضا بخشی‌آنی^۲، احمد کاظمی‌گرگی^{۳*}

^۱ دانشیار، رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران
^۲ دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشکده دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف
^۳ دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی



10.22080/JPIR.2022.21329.1214

چکیده

کریدور اقتصادی چین-پاکستان از مهم‌ترین مؤلفه‌های ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده به حساب می‌آید. پژوهش حاضر با طرح این پرسش که راهبردهای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال کریدور چین-پاکستان چیست؟ تلاش کرده تا با تکیه بر نظریه‌ی بازی‌ها و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی به آن پاسخ بدهد. در پاسخ به سوال فوق، فرضیه‌ی پژوهش این است که آمریکا با همراهی کشورهای هند و پاکستان بازی منطقه‌ای را آغاز کرده که طی آن با حضور ایران در پیمان سه‌جانبه‌ی هند، ایران و افغانستان و همچنین حضور چین در کریدور سی‌پک، فرصت شکل‌گیری همکاری سودمند تهران و پکن در راستای توسعه‌ی بندر چابهار از آن‌ها گرفته شد. روش گردآوری داده‌های پژوهش نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که به رهبری آمریکا و با همراهی کشورهای هند و پاکستان، بازی‌ای در منطقه شکل گرفته که خروجی آن ایجاد شکاف میان دو کشور ایران و چین در راستای عدم توسعه‌ی مسیرهای ترانزیتی دو طرف در بندر چابهار است. بدین منظور، ایالات متحده آمریکا بازیگردان اصلی دو اتحاد منطقه‌ای در جنوب و غرب آسیا شد. از یک طرف با چراغ سبز آمریکا، پاکستان اجازه‌ی همراهی با چین در کریدور مذکور را پیدا کرد؛ از طرف دیگر به‌منظور اطمینان از عدم تمایل ایران برای حضور چین در بندر چابهار، هندوستان به‌عنوان شریک راهبردی آمریکا، وارد پیمان سه‌جانبه‌ی هند، ایران و افغانستان به‌منظور توسعه‌ی بندر چابهار شد. در چنین شرایطی بر مبنای مدل معمای زندانی در نظریه‌ی بازی‌ها، بهترین گزینه‌ی پیش‌روی ایران و چین همکاری با یکدیگر در مسیر توسعه‌ی بندر چابهار ایران است.

تاریخ دریافت:

۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۱۰ خرداد ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

یک‌کمربند-یک‌جاده، کریدور سی‌پک، نظریه‌ی بازی‌ها، بندر چابهار و بندر گوادر پاکستان.

* نویسنده مسئول: نویسنده مسئول

آدرس: دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و ایمیل: Ak.gorji@gmail.com

حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی

۱ مقدمه

فرصت شکل‌گیری همکاری سودمند تهران و پکن در راستای توسعه‌ی بندر چابهار از آن‌ها گرفته شد.

اهمیت پژوهش حاضر از آنجا نشأت می‌گیرد که تبیین اهداف و انگیزه‌های بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اثرگذار بر کریدور چین-پاکستان و بررسی ماهیت واقعی این پروژه می‌تواند علاوه بر ارائه‌ی تصویر روشنی از وضعیت موجود، در اتخاذ سیاست‌های مناسب از طرف جمهوری اسلامی ایران نیز مؤثر باشد. از سویی دیگر، پژوهش حاضر از آنجا ضرورت می‌یابد که مجاورت مسیر این کریدور با استان سیستان و بلوچستان و بندر چابهار، باعث خواهد شد تا عدم اتخاذ رویکردی مناسب از طرف ایران باعث انزوای ژئوپلیتیک این مناطق شود.

پژوهش حاضر در نظر دارد تا با استفاده از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به سؤال ارائه‌شده پاسخ دهد. جمع‌آوری داده‌های مربوط به پژوهش نیز از طریق روش فیش‌برداری (با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی نظیر کتب، مقالات، پایگاه‌های خبری و...) خواهد بود. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز از نوع کیفی و به صورت توصیفی-تحلیلی خواهد بود. بر این اساس، در ابتدا چارچوب مفهومی پژوهش حاضر مورد بحث قرار خواهد گرفت، سپس اهداف و خواسته‌های چین از ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده و به طور خاص کریدور اقتصادی چین-پاکستان تبیین خواهد شد و در ادامه نحوه‌ی نقش‌آفرینی کشورهای آمریکا، هندوستان و ایران در قبال این طرح مورد بحث قرار خواهند گرفت. در نهایت، چارچوب نهایی پژوهش حاضر به همراه قسمت نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲ چارچوب نظری: نظریه‌ی بازی‌ها

به دلیل کاربرد نظریه‌ی بازی‌ها در فهم پیچیدگی تعاملات اجتماعی و سیاسی، این نظریه مدت‌هاست

از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی با اتخاذ سیاست درهای باز، تولید ناخالص داخلی چین رشد چشمگیری پیدا کرد. با گذشت زمان مزاد ظرفیت تولید و سرمایه در این کشور باعث شد تا از سال ۲۰۱۲ به بعد روند نزولی رشد اقتصادی در آن آغاز شود. در چنین شرایطی، در صورتی که پکن نتواند بازار و نهادهای تولید مناسبی را برای ظرفیت‌های مزاد خود پیدا کند، دچار رکود خواهد شد. در همین راستا، ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده در سال ۲۰۱۳ توسط شی‌جین‌پینگ به مردم جهان معرفی شد تا از این طریق میزان نفوذ سیاسی و اقتصادی چین در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش پیدا کند.

در حال حاضر ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده به عنوان کلیدی‌ترین اولویت سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی چین از طرف مقامات این کشور در نظر گرفته شده است. در مجموع، این ابتکار ۷ کریدور بین‌المللی را در بر می‌گیرد که از این میان، کریدور چین-پاکستان به عنوان نقطه‌ی محوری آن، باعث اتصال دو بخش خشکی و دریایی ابتکار به یکدیگر خواهد شد.

به اعتقاد برخی از پژوهشگران حوزه‌ی اقتصاد سیاسی کریدور چین-پاکستان عرصه‌ی بازی بزرگ جدیدی در منطقه است که علاوه بر دو کشور چین و پاکستان، سایر قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا، ایران و هند را نیز در خود جای داده است. در این راستا، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نقش‌آفرینی هر کدام از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اثرگذار و اثرپذیر از کریدور اقتصادی چین-پاکستان در این بازی به چه صورتی بوده است؟ در پاسخ به سؤال فوق، فرضیه‌ی پژوهش این است که آمریکا با همراهی کشورهای هند و پاکستان بازی منطقه‌ای را آغاز کرده که طی آن با حضور ایران در پیمان سه‌جانبه‌ی هند، ایران و افغانستان و همچنین مشارکت چین در پروژه‌ی کریدور سی‌پک^۱،

^۱ CPEC: China-Pakistan Economic Corridor

پیگیری منافع، از مسیر در نظر گرفتن تعاملات گزینه‌های یک دولت با گزینه‌های سایر کشورها ممکن خواهد بود. بر این اساس، هیچ کشوری نمی‌تواند به صورت مستقل از سایر کشورهای جهان بهترین استراتژی مد نظر خود را انتخاب نماید. پیامد اصلی چنین نگاهی این گزاره است که سیاست‌گذاران ملی، حتی برای محافظت از کشور خود در برابر تهدیدات پیش رو، باید فرصت‌های تعامل مشترک را دنبال نمایند (راپاپورت^۳، ۲۰۱۸، ۴۷).

یکی دیگر از ویژگی‌های خاص نظریه‌ی بازی‌ها مفهوم راه‌حل در آن است که با اصطلاح تعادل در این نظریه نشان داده می‌شود. در واقع، یکی از فروض اصلی نظریه‌ی بازی‌ها این است که در همه‌ی بازی‌ها لاقلاً یک حالت تعادل وجود دارد. در حالت تعادل بازیگران نسبت به پیامدهای ناشی از انتخاب خود آگاهی دارند و از رف دیگر به درک درستی از انتخاب سایر بازیگران رسیدند. در چنین شرایطی، زمانی که آن‌ها به حالتی برسند که تغییر شرایط باعث ایجاد مطلوبیتی کمتر از حالت فعلی برای تمامی بازیگران بشود، در واقع به حالت تعادل رسیده‌اند. به عبارت دیگر، تعادل حالتی است که طی آن تغییر شرایط موجود باعث کاهش میزان مطلوبیت برای بازیگران خواهد شد (عبدلی، ۱۳۸۷، ۶۴-۶۵). آن چیزی که باعث شکل‌گیری حالت تعادل می‌شود، آگاهی بازیگران از ترجیحات و اولویت‌های طرف مقابل خود می‌باشد. اهمیت وجود تعادل در هر گونه‌ای از تعاملات عقلایی از آنجا نشأت می‌گیرد که این مهم به بازیگران حاضر در میدان کمک می‌کند تا سبب گزینه‌های عقلانی خود را برای رسیدن به حالت تعادل انتخاب نمایند. در واقع، مفهوم تعادل در نظریه‌ی بازی‌ها نشانگر بعد پیش‌بینی‌کننده‌ی این نظریه می‌باشد (طاهرخانی، ۱۳۹۰، ۲۲۵).

که مورد توجه محققین حوزه‌ی روابط بین‌الملل قرار گرفته است. ماهیت استراتژیک و وجود وابستگی متقابل در روابط بازیگران عرصه‌ی روابط بین‌الملل به گونه‌ای است که نحوه‌ی اقدامات یک بازیگر بر روی نتایج و واکنش‌های سایر بازیگران دیگر تأثیرگذار است؛ به همین دلیل، نظریه‌ی بازی‌ها که هدف اصلی آن تعیین قواعد برای روش‌های تصمیم‌گیری و روابط میان دو یا چند بازیگر است، در این زمینه مؤثر خواهد بود (تما^۱، ۲۰۱۴، ۱).

ویژگی دیگری که باعث اهمیت نظریه‌ی بازی‌ها در حوزه‌ی روابط بین‌الملل شده، نوع نگاه خاص آن نسبت به مقوله‌ی عقلانیت می‌باشد. در رشته‌ی روابط بین‌الملل تئوری‌ها و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، دیدگاه رئالیسم و یا واقع‌گرایی می‌باشد که تأکید آن بر روی رقابت و جنبه‌های درگیرانه‌ی سیستم روابط بین‌الملل است. سنگ بنای واقع‌گرایی رفتار آن با دولت‌ها به‌عنوان بازیگران منطقی است. در واقع، این فرض وجود دارد که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف کاملاً مشخص، محاسبات درست منطقی را در استفاده از اطلاعات موجود انجام دهند. عقلانیت موجود در دنیای نظریات واقع‌گرایی را می‌توان به‌عنوان محور مبارزه برای قدرت در یک فضای آنارشیک در نظر گرفت. در چنین شرایطی، دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل به‌شدت به دنبال تأمین نیازهای امنیتی خود هستند و در این مسیر همواره میان آن‌ها نوعی کشمکش بر سر قدرت وجود دارد (سیندال^۲، ۱۹۸۵، ۲۸).

از طرف دیگر، دیدگاه وابستگی متقابل و به‌طور کلی سنت نظریه‌ی بازی‌ها، دارای نگاه متفاوتی نسبت به مقوله‌ی عقلانیت می‌باشد. در این نظریات اعتقاد بر این است که سیاست‌های جهانی از واقعیتی پیچیده‌تر از مبانی مکتب رئالیسم برخوردار هستند. در واقع، سنت نظریه‌ی بازی‌ها مبتنی بر یک عقلانیت استراتژیک است که طی آن

²Snidal

³Rapoport

¹ Tema

به طور کلی، مدل معمای زندانی بر این مبنا است که دو مظنون توسط پلیس دستگیر شده‌اند. پلیس باید شواهد کافی برای محکومیت مظنونین جمع‌آوری کند و برای این کار به صورت جداگانه از مظنونین بازجویی می‌کند. اگر یکی از مظنونین علیه دیگری شهادت دهد و مظنون دیگر سکوت (زندانی‌ای که سکوت را ترجیح داده به اصطلاح می‌گوییم «همکاری») / با شریک خود / کرده است را ترجیح دهد، در این حالت مظنون اول آزاد و دیگری به یک سال حبس محکوم می‌شود. اگر هر دو سکوت در بازجویی را انتخاب کنند، هر دو زندانی در زندان تنها برای یک ماه حبس خواهند کشید و اما اگر هر دو علیه دیگری شهادت دهند، باید به مدت ۳ ماه هر زندانی حبس بکشد. هر زندانی باید بین خیانت و سکوت یکی را انتخاب کند و هر کدام از آن‌ها نمی‌داند که دیگری کدام راه را انتخاب می‌کند. در واقع، گزینه‌های پیش روی هر کدام از طرف‌های بازی مطابق شکل شماره ۱ می‌باشد (رابینسون و گوفورث^۶، ۲۰۰۴، ۴).

بحث نهایی درخصوص کاربرد نظریه‌ی بازی‌ها در رشته‌ی روابط بین‌الملل به نحوه‌ی کارکرد آن باز می‌گردد. سیندال (۱۹۸۵) معتقد است که کارکرد نظریه‌ی بازی‌ها در تحلیل پدیده‌های تجربی به هر یک از صورت‌های استعاره، قیاس، استراتژی، مدل و یا نظریه ممکن است. در این میان چیزی که بیشتر از همه مورد توجه پژوهشگران حوزه‌ی روابط بین‌الملل قرار گرفته است، کارکرد نظریه‌ی بازی در قالب مدل می‌باشد. مدل را می‌توان طرحی ساده‌شده از واقعیت در نظر گرفت؛ در نتیجه مدل باعث ایجاد صرفه‌جویی و سادگی خواهد شد. در واقع، نظریه‌پردازان حوزه‌ی روابط بین‌الملل با بهره‌گیری از مدل‌سازی وظیفه‌ی تحلیل بازی‌ها را بر عهده دارند. مدل‌های معمای زندانی^۱، شکار گوزن^۲، هماهنگی^۳، جوجه^۴ و سکه‌های منطبق^۵ از جمله مهم‌ترین مدل‌های مربوط به نظریه‌ی بازی‌ها هستند که در رشته‌ی روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرند (سیندال، ۱۹۸۵، ۲۹-۳۴). با توجه به گزینه‌های پیش روی ایران و چین، مبنی بر همکاری یا عدم همکاری با یکدیگر، مدل معمای زندانی مناسب‌ترین گزینه برای تشریح وضعیت موجود می‌باشد.

سکوت زندانی ۲	خیانت زندانی ۲
سکوت زندانی ۱	زندان ۱ به مدت یک سال حبس می‌شود. زندان ۲ آزاد می‌شود.
خیانت زندانی ۱	زندان ۱ آزاد می‌شود. زندان ۲ یک سال حبس می‌شود.

شکل ۱ گزینه‌های پیش‌رو برای مدل معمای زندانی

^۴ Chicken

^۵ Matching pennies

^۶ Robinson & Goforth

^۱ Prisoners' Dilemma

^۲ Stag hunt

^۳ coordination game

۳ کریدور اقتصادی چین- پاکستان و اهداف چین

در ادامه‌ی پژوهش حاضر مهم‌ترین اهداف چین از مطرح‌سازی ابتکار یک‌کمربند- یک‌جاده و به‌طور خاص کریدور اقتصادی چین-پاکستان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳٫۱ چالش‌های رقابتی چین در شرق آسیا

چین در طی ۴ دهه‌ی اخیر تحولات گوناگونی را تجربه کرده و به دومین قدرت اقتصادی جهان مبدل شده است (طالبی آرانی، ۱۳۹۵، ۲). در واکنش به افزایش میزان قدرت اقتصادی و همچنین نظامی چین، اولین نشست گروه غیررسمی کوآد، متشکل از کشورهای آمریکا، ژاپن، هند و استرالیا در سال ۲۰۰۷ میلادی تشکیل شد. هدف از تشکیل این پیمان چهارجانبه تلاش برای جلوگیری از افزایش میزان نفوذ چین در اقیانوس هند و آرام نامیده شد. در این برهه، با تغییر نخست‌وزیرهای وقت دو کشور ژاپن و استرالیا و همچنین سفر مانموهان سینگ (نخست‌وزیر وقت هند) به چین در ژانویه‌ی سال ۲۰۰۸ عملاً بحث‌های مربوط به پیمان کوآد مسکوت ماند. مجدداً در سال ۲۰۱۷ در طی اجلاس آسه‌آن، سران کشورهای عضو این پیمان بر روی ازسرگیری آن به توافق رسیدند (Hanada، ۲۰۱۸، ۱).

در مجموع، بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ میلادی پنج نشست دیگر میان اعضای پیمان کوآد برگزار شد. اما جدی‌ترین اقدام مربوط به این گروه در سال ۲۰۲۰ اتفاق افتاد؛ جایی که در طی مانورهای سالانه‌ی «مالابار» که هند با آمریکا و ژاپن برگزار می‌کند، استرالیا نیز به این جمع اضافه شد تا تمامی اعضای این پیمان را شامل شود (Miglani، ۲۰۲۰).

به‌کارگیری چنین رویکردی ازطرف آمریکا و متحدانش را می‌توان به‌عنوان استراتژی مهار پکن در منطقه‌ی شرق آسیا ازطرف این کشور قلمداد کرد. درنتیجه چین در نظر دارد تا با سرمایه‌گذاری در

ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده و مؤلفه‌های آن از میزان آسیب‌پذیری خود در برابر تهدیدات منطقه‌ی شرق آسیا بکاهد (Aoyama، ۲۰۱۷، ۵).

۳٫۲ چالش امنیت انرژی چین

رشد سریع اقتصادی چین موجبات افزایش گسترده‌ی مصرف انرژی را در این کشور فراهم آورده است؛ به‌طوری‌که چین به‌طور همزمان به بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و واردکننده‌ی نفت دنیا تبدیل شده است (آجیلی، زواره و برزکی، ۱۳۹۶، ۶۴). براساس گزارشات منتشرشده، میزان واردات نفت خام چین در سال ۲۰۲۰ حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز بوده است (Reuters، ۲۰۲۰) که این مهم، نشان‌دهنده‌ی وجود شکافی عظیم در زمینه‌ی میزان تولید و مصرف نفت خام در این کشور می‌باشد. وجود این شکاف و جبران آن از طریق واردات باعث شده تا امنیت انرژی به نگرانی استراتژیک رهبران چین تبدیل شود. در همین راستا، این کشور به‌منظور پاسخ‌گویی به این نگرانی، استراتژی متنوع‌سازی منابع انرژی وارداتی خود را در پیش گرفته است (Leung، ۲۰۱۱، ۱۳۳۳).

با این حال، عبور ۸۰ درصد از محموله‌های نفتی چین از مسیر تنگه‌ای به نام مالاکا، از چالش‌های اساسی چین در قبال مسأله‌ی امنیت انرژی به حساب می‌آید. این تنگه، آب‌راهی در میان سوماترا و شبه‌جزیره‌ی مالایاست که دریای آندامان در اقیانوس هند را به دریای چین جنوبی در اقیانوس آرام متصل می‌سازد (Chaziza، ۲۰۱۶، ۱۵۰).

انتخاب این مسیر برای چین چالش‌های متعددی را به همراه دارد. شرایط این تنگه تأثیر بسیار زیادی بر خطوط کشتیرانی چین دارد، اما متقابلاً این کشور نقش‌آفرینی چندانی در آن ندارد. درواقع با توجه به اینکه هر رویداد غیرمنتظره‌ای در این تنگه می‌تواند جریان تجارت چین و به‌ویژه واردات نفت این کشور را مختل کند، این تنگه به‌عنوان یک ضعف استراتژیک برای پکن به حساب می‌آید (Zhang، ۲۰۱۱، ۷۶۱۳). یکی از مهم‌ترین تهدیدات موجود در این تنگه مربوط به دزدی دریایی می‌باشد.

می‌باشد. وجود اختلافات دینی، فرهنگی و اقتصادی در این قسمت با سایر مناطق چین باعث گسترش تنش‌های قومی در این منطقه شده است (سجادپور و پورقربان، ۱۳۹۷، ۶۶-۶۸).

در حال حاضر، دو گروه اصلی جدایی طلب در استان سین‌کیانگ عبارت‌اند از جنبش اسلامی ترکستان شرقی و کنگره‌ی جهانی اویغور. جنبش اسلامی ترکستان شرقی گروهی است که در سال ۱۹۸۹ توسط ضیاء‌الدین یوسف با هدف جدایی استان سین‌کیانگ از چین و اداره‌ی این منطقه توسط اسلام‌گرایان تأسیس شد. مبنای فکری این گروه از ترکیب ایدئولوژی پان‌ترکیسم به همراه آموزه‌های دین اسلام تشکیل شده است. این جنبش حملات تروریستی زیادی را در آسیای مرکزی و چین انجام داده و از سوی کشورهای چین، قزاقستان و آمریکا به‌عنوان سازمان تروریستی اعلام شده است. کنگره‌ی جهانی اویغور گروه دیگری است که در استان سین‌کیانگ مشغول به فعالیت می‌باشد. ماهیت حرکت این گروه عمدتاً مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر می‌باشد. برخلاف جنبش اسلامی ترکستان شرقی این گروه تا حدود زیادی تحت حمایت ایالات متحده آمریکا قرار دارد. به‌طوری‌که رهبران آن در آمریکا مستقر هستند (بخشی‌آنی، عباسی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۹، ۱۹).

حزب کمونیست چین به‌منظور مهار افراط‌گرایی در این منطقه به دنبال ایجاد توسعه‌ی اقتصادی در آن است. در واقع اعتقاد بر این است که هر اندازه استان سین‌کیانگ به‌لحاظ اقتصادی توسعه‌یافته‌تر باشد، به همان اندازه گرایش‌های قومی و افراطی در این منطقه کاهش پیدا خواهد کرد. در همین راستا، دولت چین در نظر دارد تا با استفاده از فرصت‌های اقتصادی ناشی از کریدور اقتصادی چین-پاکستان در این منطقه به مدرن‌سازی آن کمک کند (Chaziza, ۲۰۱۶، ۱۵۱).

به‌طوری‌که براساس آمار منتشرشده ازطرف سازمان همکاری‌های منطقه‌ای علیه دزدی دریایی و سرقت مسلحانه در آسیا، میزان دزدی دریایی در دو تنگه‌ی مالاکا و سنگاپور مجدداً وارد روند افزایشی شده؛ به‌طوری‌که تعداد این حملات در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۳۰ مورد رسیده است (ReCAAP¹ ISC, ۲۰۲۰، ۱۴).

ازسویی دیگر، مالزی و سنگاپور به‌عنوان دو کشوری که کنترل این تنگه را برعهده دارند، ازجمله متحدان منطقه‌ای آمریکا به حساب می‌آیند؛ از این‌رو همواره خطر بسته شدن این تنگه توسط آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش برای چین جدی باقی خواهد ماند (Zubir & Basiron, ۲۰۰۵، ۲۷). در همین راستا، چین به‌منظور رهایی از تهدیدات موجود در تنگه‌ی مالاکا قصد دارد تا از کریدور چین-پاکستان به‌عنوان مسیر جدیدی برای انتقال کالا و منابع انرژی خود استفاده نماید. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های این مسیر، کوتاه شدن مسافت میان چین تا خاورمیانه خواهد بود. در حال حاضر، مسافت میان خلیج فارس تا چین از مسیر تنگه‌ی مالاکا معادل ۹۹۱۲ مایل می‌باشد و درصورت تکمیل پروژه‌ی کریدور اقتصادی چین-پاکستان این مقدار به ۲۲۹۵ مایل خواهد رسید.

۳،۳ کاهش تنش‌های موجود در استان سین‌کیانگ

استان سین‌کیانگ در شمال غرب چین و در همسایگی آسیای مرکزی قرار گرفته است. این استان به‌دلیل برخورداری از منابع عظیم انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حال حاضر، مجموع ذخایر گاز طبیعی، زغال‌سنگ و دیگر منابع فسیلی در سین‌کیانگ بیش از ۲۰ درصد از ذخایر انرژی چین را به خود اختصاص داده است. مرکز استان سین‌کیانگ شهر ارومچی می‌باشد که ساکنان اصلی آن از نژاد اویغور هستند. اویغورها مسلمان هستند و زبان بومی آن‌ها نیز ترکی اویغوری

¹ Regional Cooperation Agreement on Combating Piracy and Armed Robbery against Ships in Asia

۴ تقابل آمریکا در برابر چین

در طی دهه‌های اخیر دو کشور چین و آمریکا روابط پرفرازونشیبی را با یکدیگر تجربه کرده‌اند؛ به طوری که همواره طیف مشخصی از رقابت و اعتماد میان دو طرف حاکم بود. اما از اوایل دهه‌ی دوم قرن بیست و یک میلادی، چین با ظرفیت‌های روبه‌رشدش به‌عنوان تهدیدی جدی برای اشغال جایگاه آمریکا (به‌عنوان قدرت اول جهان) به حساب آمد (حسن‌خانی و مسرور، ۱۳۹۶، ۱۶۷-۱۷۱).

براساس بررسی‌های صورت‌گرفته پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ در صورتی که چین بتواند برتری خود را در نرخ رشد اقتصادی، نسبت به آمریکا حفظ نماید، از لحاظ قدرت نظامی و تولید ناخالص داخلی آمریکا را کنار خواهد گذاشت و جایگاه این کشور را به‌عنوان قدرت اول جهان تهدید خواهد نمود؛ البته به اعتقاد برخی از کارشناسان تهدید چین برای آمریکا صرفاً در مسائل اقتصادی و سیاسی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پکن از لحاظ ایدئولوژیک نیز برای الگوی توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی ایالات متحده چالشی اساسی به حساب می‌آید (Layne, 2020). در چنین شرایطی ایالات متحده آمریکا، محور اصلی استراتژی امنیت ملی خود را در عصر حاضر از خاورمیانه به شرق آسیا منتقل کرد تا بتواند با تهدید بالقوه‌ای به نام چین به مقابله بپردازد (Kennedy, 2015).

یکی از مهم‌ترین رویکردهای مد نظر ایالات متحده برای مهار چین، محاصره‌ی جغرافیایی این کشور از طریق متحدان منطقه‌ای خود در شرق و غرب آسیا است. در واقع، این کشور در نظر دارد تا با کنترل مسیرهای ترانزیتی اطراف چین این کشور را تحت فشار قرار دهد و مانع از رشد اقتصادی آن شود. از سویی دیگر، حضور نظامی آمریکا در کشورهای اطراف چین نیز می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت این کشور به حساب بیاید. در واقع این رویکرد به‌عنوان استراتژی مهار چین به حساب می‌آید و در حال حاضر تا حدود زیادی آمریکا در

پیاده‌سازی این استراتژی در شرق آسیا موفق بوده و توانسته کشورهای کوچک و بزرگ این منطقه را با خود در محاصره‌ی چین همراه سازد (Fiori & Passeri, 2014, 679-681 و Sushentsov, 2013). در واکنش به این شرایط، پکن تصمیم گرفت تا حضور خود را در منطقه‌ی خاورمیانه و جنوب آسیا شدت ببخشد تا بتواند این محاصره را در هم بشکند. در واقع، یکی از مهم‌ترین اهداف چین در راستای کریدور اقتصادی چین-پاکستان، ایجاد یک فضای باز ترانزیتی برای این کشور می‌باشد تا از این طریق استراتژی مهار ایالات متحده آمریکا را خنثی نماید. به همین دلیل، می‌توان اذعان نمود که تکمیل پروژه‌ی کریدور چین-پاکستان در ابعاد گوناگون، یک مسأله‌ی امنیتی برای چین به حساب می‌آید.

در همین چارچوب به نظر می‌رسد که ایالات متحده آمریکا، نیازمند رویکردی است که علاوه بر مسدود نمودن کریدور چین-پاکستان، امکان استفاده پکن از سایر مسیرهای جایگزین را هم به‌طور کامل از میان بردارد. به‌دلیل پیچیدگی‌های موجود در این منطقه، آمریکا برای پیاده‌سازی برنامه‌های خود نیازمند رویکردی متفاوت از منطقه‌ی شرق آسیا می‌باشد، که در آن حضور قدرت‌های منطقه‌ای از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (Daniels, 2013, 94-99).

۵ چالش‌های پیش روی چین در پاکستان

به‌منظور درک بهتر چالش‌های پیش روی چین در پاکستان در این قسمت از پژوهش حاضر در ابتدا ساختار سیاسی این کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵/۱ ساختار سیاسی پاکستان

هرم سیاسی پاکستان متشکل از سه جزء قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضاییه می‌باشد؛ اما در این میان ارتش پاکستان نهادی است که بیشترین

پاکستان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. همچنین، براساس گزارش منتشرشده ازطرف سازمان ملل، این کشور از لحاظ شاخص توسعه‌ی انسانی حائز رتبه‌ی ۱۵۰ از میان ۱۸۹ کشور دنیا است (Siddiqui, ۲۰۱۹).

ازطرف دیگر، از زمان بر سر کار آمدن دولت جدید روندی آغاز شده که طی آن میزان نفوذ ارتش در امور دولتی افزایش پیدا کرده است. در حال حاضر، تعداد زیادی از افسران بازنشسته و یا در حال خدمت ارتش، در نقش‌های برجسته‌ی دولتی قرار دارند. همچنین، از زمان آغاز بحران شیوع ویروس کرونا، عملاً ارتش کنترل مدیریت این بحران را در اختیار گرفته است. برای نمونه، در ماه مارس یک روز پس از مخالفت عمران خان با برقراری قرنطینه‌ی کامل در این کشور، ارتش پاکستان بدون توجه به این مورد، دستور برقراری قرنطینه را صادر کرد. درعین حال، مرکز فرماندهی و عملیات ملی به منظور مدیریت بحران ناشی از ویروس کرونا در این کشور تشکیل شده که توسط ژنرال حمود الزمان خان اداره می‌شود (Siddiqui, ۲۰۲۰).

ازسویی دیگر، در طول پروژه‌ی کریدور اقتصادی چین-پاکستان نیز ارتش پاکستان رفته‌رفته به‌عنوان ناظر اصلی اجرای پروژه، جایگزین دولت این کشور شد. درواقع، برکناری وزیر برنامه‌ریزی دولت عمران خان به‌عنوان هماهنگ‌کننده‌ی اصلی این کریدور اقتصادی و انتصاب یک افسر ارشد بازنشسته‌ی ارتش به نام عاصم باجوا برای پست ریاست اداره‌ی کریدور اقتصادی چین-پاکستان ازطرف عمران خان را می‌توان به‌عنوان نشانه‌هایی جدی برای جایگزینی ارتش با دولت پاکستان در امر تصمیم‌گیری درخصوص این کریدور اقتصادی در نظر گرفت. عملاً با انتصاب باجوا در این سمت، بخش عمده‌ای از بودجه‌ی توسعه‌ای کشور تحت کنترل ارتش پاکستان قرار گرفته است. درواقع، با وجود اینکه اداره‌ی کریدور اقتصادی چین-پاکستان مستقیماً گزارشات خود را تحویل عمران خان می‌دهد، اما مطابق قانون این سازمان به غیر از برخی از موارد تعیین‌شده در دستورالعمل‌ها، از اختیارات مستقلی

تأثیر را بر اجزای هرم سیاسی این کشور دارد (صراف‌یزدی، نجابی و صبری، ۱۳۹۰، ۷۰-۷۱).

جایگاه قدرتمند ارتش در پاکستان را می‌توان تابع دو دسته از عوامل در نظر گرفت. در وهله‌ی اول در سال‌های آغازین تشکیل این کشور تاکنون، همواره مسأله‌ی تهدیدات ناشی از هند و گروه‌های تروریستی فعال در آن ازجمله اصلی‌ترین نگرانی‌ها به حساب می‌آمد. وجود چنین تهدیداتی باعث شد تا ارتش پاکستان امکان بهره‌مندی از تمامی امکانات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این کشور را داشته باشد (Akhtar, ۲۰۱۲، ۲۰۵). ازسویی دیگر، از زمان استقلال پاکستان تاکنون خلأ وجود یکپارچگی و اتحاد در میان نخبگان سیاسی این کشور به‌طور جدی احساس می‌شود. این مهم باعث‌شده تا پاکستان از وجود یک نظام سیاسی پایدار محروم شود؛ به‌طوری‌که از سال ۱۹۴۷ تاکنون سه کودتای نظامی (سال‌های ۱۹۵۸، ۱۹۷۷ و ۱۹۹۹) در این کشور اتفاق افتاده و حتی در حال حاضر نیز خطر وقوع کودتا با کمک دولت‌های خارجی، دولت فعلی این کشور را تهدید می‌کند (Shoukat & Gomez, ۲۰۱۸، ۴۰-۳۷ و دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹).

ارتش پاکستان علاوه بر اینکه به‌صورت جدی بر سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور اثرگذار است؛ به‌عنوان قدرتمندترین نهاد اقتصادی پاکستان نیز شناخته می‌شود. در حال حاضر، به‌طور رسمی ۲۰ درصد از بودجه‌ی سالانه پاکستان به ارتش این کشور اختصاص پیدا می‌کند. البته سهم ارتش از این بودجه به این مقدار خلاصه نمی‌شود؛ بلکه برخی از هزینه‌های مربوط به این نهاد در سایر ردیف‌های بودجه‌ای نیز قرارگرفته است. علاوه بر این، در حدود ۵۰ بنگاه تجاری زیرمجموعه‌ی این نهاد در پاکستان مشغول به فعالیت هستند که مهم‌ترین آن بنیاد فاوجی است. درآمد سالیانه‌ی این بنیاد معادل ۱/۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این در حالی است که کمتر از ۵ درصد بودجه‌ی سالانه‌ی این کشور صرف خدمات اجتماعی مانند آموزش و مراقبت‌های بهداشتی می‌شود و یک‌سوم جمعیت

و منطقه‌ی خاورمیانه شد. اوج همکاری‌های میان این دو کشور در جریان حمله‌ی شوروی به افغانستان در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی اتفاق افتاد. در طی این جنگ، پاکستان علاوه بر پذیرش مهاجران افغان، به محلی برای آموزش و حمایت از گروه‌های مجاهدین تبدیل شد. در مقابل، در این مدت حدود ۱۱ میلیارد دلار کمک‌های نظامی و اقتصادی از آمریکا دریافت کرد.

سومین کودتای تاریخ پاکستان در سال ۱۹۹۹ توسط پرویز مشرف صورت گرفت. این کودتا با هدف سرنگونی دولت نواز شریف در پاکستان اتفاق افتاد. حدود دو سال پس از به قدرت رسیدن پرویز مشرف در پاکستان، حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا اتفاق افتادند. در این برهه آمریکا رهبری مبارزه علیه تروریسم را بر عهده گرفت و خواستار تشکیل ائتلافی جهانی علیه آن شد. در این میان پاکستان جزء کشورهایی بود که سریعاً به درخواست آمریکا برای پیوستن به این ائتلاف پاسخ مثبت داد و به‌عنوان «متحد غیر ناتوی آمریکا» در نبرد با تروریسم لقب گرفت. در جریان این اتحاد، پاکستان چند پایگاه هوایی خود را در ایالت‌هایی نظیر سند و بلوچستان در اختیار آمریکا قرار داد و به آمریکا اجازه‌ی استفاده از حریم هوایی این کشور را داد. علاوه بر این نیروهای نظامی آمریکا اجازه‌ی استفاده از بنادر کراچی، پسنی و جیوانی را نیز پیدا کردند (Mistry, ۲۰۱۹، ۳-۱ و سلیمانی و خالدیان، ۱۳۹۱، ۱۷۰-۱۵۷).

علاوه بر این، در طی ۱۵ سال اخیر مجموع کمک‌های مالی آمریکا به ارتش پاکستان به بیش از ۳۳ میلیارد دلار رسیده است. البته دولت ترامپ به بهانه‌ی عدم تغییر سیاست‌های دولت و ارتش پاکستان در قبال گروه‌های تروریستی کمک‌های مالی خود را به پاکستان قطع کرد. در سال ۲۰۱۸ برنامه‌ی کمک ۹۰۰ میلیون دلاری آمریکا به پاکستان به دلیل عدم موضع‌گیری ارتش پاکستان در قبال نظامیان طالبان، به حالت تعلیق درآمد (Gould & Ansari, ۲۰۱۹ و Shepardson, ۲۰۱۸). با این وجود، به نظر می‌رسد که با بر سرکار آمدن دولت بایدن در

برای تصمیم‌گیری در خصوص کریدور اقتصادی چین-پاکستان برخوردار است. لذا در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که از این پس سیاست‌های مربوط به این کریدور اقتصادی همراستای با منافع ارتش پاکستان خواهد بود (Rafiq, ۲۰۲۰).

افزایش اختیارات ارتش در کریدور چین-پاکستان، می‌تواند باعث ایجاد نگرانی‌هایی جدی در پکن شود. ارتش پاکستان از زمان تأسیس خود تاکنون به‌عنوان متحد راهبردی ایالات متحده آمریکا در منطقه شناخته می‌شود. تاکنون سه دولتی که با کودتای نظامی ارتش در پاکستان بر سر کار آمدند، بیشترین میزان وابستگی را به ایالات متحده آمریکا داشتند. اولین کودتای تاریخ پاکستان در سال ۱۹۵۷ اتفاق افتاد. در این سال دولت اسکندرمیرزا توسط ژنرال ایوب‌خان، فرماندهی کل ارتش پاکستان سرنگون شد و پس از آن ایوب‌خان به مقام ریاست جمهوری در پاکستان رسید. یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های دولت ایوب‌خان گرایش وی به سمت ایالات متحده آمریکا بود. نفوذ آمریکا در زمان ریاست جمهوری وی در پاکستان به حدی بود که کمیسیون برنامه‌ریزی این کشور برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه را با کمک گروه مشاوران هاروارد تنظیم می‌نمود. در نتیجه‌ی این سیاست‌ها دو استان پنجاب و کراچی به‌عنوان محورهای اصلی توسعه در پاکستان در نظر گرفته شدند. این امر در نهایت منجر به افزایش میزان بروز احساس تبعیض در میان مردم استان‌های شرقی پاکستان و گسترش تنش‌ها در این مناطق شد. سرانجام در سال ۱۹۷۱ این منطقه با نام کشور مستقل بنگلادش از پاکستان اعلام استقلال کرد (Shoukat & Gomez, ۲۰۱۸، ۴۱).

دومین کودتای تاریخ پاکستان به سال ۱۹۷۷ بازمی‌گردد. محمد ضیاءالحق فرماندهی ارتش پاکستان با ترتیب کودتایی، ذوالفقار علی بوتو نخست‌وزیر وقت پاکستان را سرنگون کرد. در زمان حکومت ژنرال ضیاءالحق، پاکستان به‌عنوان متحد جدی آمریکا مانع از پیشروی شوروی در جنوب آسیا

در کنار تهدیدات ناشی از عدم وجود یک ساختار سیاسی با ثبات در پاکستان، مشکلات امنیتی موجود در این کشور نیز به عنوان یک چالش جدی برای چین به حساب می‌آید. در قسمت بعدی پژوهش حاضر این چالش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵٫۲ چالش‌های امنیتی موجود در پاکستان

مدت‌های طولانی است که مسأله‌ی امنیت به یکی از مهم‌ترین تهدیدات موجود در پاکستان تبدیل شده است. این کشور به‌رغم دارا بودن جمعیت نسبتاً زیاد (۲۲۲ میلیون نفر) و داشتن سلاح هسته‌ای، یکی از آسیب‌پذیرترین کشورها به لحاظ امنیتی به شمار می‌آید. در طی سال‌های اخیر مناطق مرزی پاکستان، بستری مناسب برای فعالیت گروه‌های تروریستی مانند طالبان، القاعده، شبکه‌ی حقانی و گروه‌های افراطی دیگر بوده و بعضاً تنش‌های جدی میان دولت و گروه‌های تروریستی فعال در این کشور ایجاد شده است (دبیری، حافظ‌نیا، صفوی و اخباری، ۱۳۹۸، ۳۰-۲۷). به‌طور قطع ادامه‌ی چنین روندی احتمال تکمیل و بهره‌برداری هرگونه طرح توسعه‌ای در این کشور را با ابهام زیادی همراه خواهد ساخت. جدول شماره‌ی ۱ نشان‌دهنده‌ی تعداد عملیات‌های تروریستی در پاکستان و میزان کشته‌ها و زخمی‌های ناشی از آن در طی ۱۰ سال اخیر می‌باشد.

آمریکا روند کمک‌های مالی و نظامی این کشور به ارتش پاکستان به حالت قبلی خودش بازگردد. در همین راستا، لوید آستین وزیر دفاع جدید آمریکا با تمجید از نقش پاکستان در روند صلح منطقه‌ای عنوان نمود که تعلیق کمک‌های مالی آمریکا به پاکستان تبعات منفی را برای دو کشور به همراه خواهد داشت (Laskar، ۲۰۲۱).

با توجه به مطالب عنوان‌شده می‌توان نتیجه گرفت که با وجود اینکه در برخی از موضوعات نظیر افغانستان و هند واگرایی‌هایی میان پاکستان و آمریکا وجود دارد؛ اما هنوز سیاست‌های این کشور تا حد زیادی تحت تأثیر منافع ایالات متحده آمریکا قرار دارد. درواقع تاکنون حضور چین در پاکستان با مخالفت جدی آمریکا روبه‌رو نشده و از این منظر می‌توان به این نکته اشاره کرد که رابطه با چین، تأثیر منفی بر رابطه‌ی میان آمریکا و پاکستان نداشته است و به نوعی می‌توان این ادعا را مطرح نمود که پاکستان با چراغ سبز آمریکا وارد این مسیر شده است. به همین دلیل، واگرایی موجود میان آمریکا و پاکستان درخصوص رابطه‌ی این کشور با چین را می‌توان به‌عنوان یک واگرایی قابل مدیریت^۱ برای آمریکا در نظر گرفت (Mistry، ۲۰۱۹، ۱۳-۱۲). درواقع به نظر می‌رسد که مشارکت اسلام‌آباد در کریدور اقتصادی چین- پاکستان تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد که آمریکا این کریدور را به‌عنوان تهدیدی علیه منافع ملی خودش در نظر نگیرد.

¹Manageable divergence

جدول ۱ آمار تلفات ناشی از حملات گروهک‌های تروریستی در پاکستان (اندیشکده‌ی مطالعات حملات تروریستی در جنوب آسیا، ۲۰۲۰)

سال	تعداد حملات تروریستی	تعداد کشته‌ها	تعداد زخمی‌ها
۲۰۱۰	۵۰۱	۵۵۳۹	۲۲۹۱
۲۰۱۱	۴۴۶	۳۹۲۹	۲۲۹۱
۲۰۱۲	۴۴۸	۳۶۱۴	۲۴۱۲
۲۰۱۳	۳۵۴	۳۱۲۶	۳۸۱۴
۲۰۱۴	۴۴۶	۳۷۳۷	۱۳۱۴
۲۰۱۵	۳۰۹	۲۴۹۱	۸۸۷
۲۰۱۶	۱۵۰	۱۱۷۵	۱۰۲۳
۲۰۱۷	۱۴۴	۹۹۷	۱۰۲۹
۲۰۱۸	۶۷	۵۳۴	۴۷۸
۲۰۱۹	۵۲	۲۵۴	۲۵۲
۲۰۲۰	۵۳	۳۱۷	۲۷۳

در سطوح مختلف با شکست روبه‌رو شد. در جدول شماره ۲ برخی از مهم‌ترین این نمونه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

اهمیت این مهم از آنجا نشأت می‌گیرد که در گذشته نیز برخی از سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه‌ی خاورمیانه به دلیل وقوع برخی از چالش‌های امنیتی

جدول ۲ برخی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌های ناموفق چین در خاورمیانه (Shichor، ۲۰۱۸، ۱۳۹)

سال	کشور	شرح واقعه
۱۹۸۰-	ایران و عراق	در جریان جنگ ایران و عراق در حدود ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های زیرساختی در ایران و عراق از بین رفت.
۱۹۹۰	عراق	در جریان حمله‌ی عراق به کویت حدود ۴۰۰۰ کارگر چینی و ۶۰ شرکت چینی در عراق گرفتار شدند.
۲۰۱۱	لیبی	خروج ۳۵۰۰۰ نیروی چینی از لیبی در حالی که این کشور درگیر جنگ داخلی شده بود.
۲۰۱۴	یمن	با شدت گرفتن حملات ائتلاف عربستان سعودی به یمن در حدود ۵۰۰ چینی از طریق خلیج عدن از این کشور خارج شدند.
۲۰۱۴	عراق	خروج حدود ۱۳۰۰ کارگر چینی از شمال عراق در جریان حضور داعش در این منطقه
۲۰۱۶	سودان جنوبی	در حدود ۱۶۰ شرکت چینی در راستای تکمیل طرح‌های مربوط به ابتکار یک کمربند-یک جاده در این کشور فعال بودند که با شدت گرفتن درگیری‌ها در این کشور، مجبور به خروج از این کشور شدند.

ساکن هستند. این در حالی است که از زمان آغاز شدن این طرح، تعداد چینی‌های ساکن در منطقه افزایش چشمگیری پیدا کرده و به ۶۰ هزار نفر رسیده است. تاکنون شبه‌نظامیان بلوچ عملیات‌های زیادی را علیه منافع چین در منطقه انجام داده‌اند. یکی از مهم‌ترین این حوادث مربوط به سال ۲۰۰۴ می‌شود که طی آن سه تن از مهندسان چینی بر اثر وقوع انفجار در شهر گوادر پاکستان کشته شدند. به

از زمان مطرح شدن نام کریدور چین-پاکستان گروه‌های ملی‌گرای بلوچ از ابتدا مخالف اجرای این طرح بودند. به اعتقاد آن‌ها در این طرح به منافع و حقوق بومیان منطقه توجهی نشده است.

ایالت بلوچستان به‌عنوان بزرگ‌ترین ایالت پاکستان در حدود ۴۴ درصد از خاک این کشور را در بر می‌گیرد. باین وجود، تنها ۱۲ میلیون نفر از جمعیت ۲۲۲ میلیون‌نفری پاکستان در این ایالت

و توسعه‌ی زیرساخت‌های حمل‌ونقلی ایران نقش اساسی داشتند. طی گذشت سال‌ها، با مطرح شدن ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده در سال ۲۰۱۳ اهمیت ایران به‌دلیل ظرفیت‌های استفاده نشده‌ی ترانزیتی آن برای چینی‌ها افزایش پیدا کرد (Calabrese, ۲۰۲۰).

در ادامه‌ی روند همکاری‌های میان ایران و چین، تفاهم‌نامه‌ی جامع مشترک همکاری‌های استراتژیک دو طرف در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۴ منتشر شد. در بند چهارم مربوط به این قرارداد دو کشور ملزم به برقراری همکاری‌های جامع در حوزه‌ی احداث بزرگراه، خط‌آهن و اتصالات دریایی به منظور ارتقای نقش ایران در ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده شدند. با توجه به مفاد مربوط به این بند، بندر چابهار، به‌دلیل اهمیت بالای ژئوپلیتیکی خود از ظرفیت زیادی برای فراهم‌سازی بستر توسعه‌ی همکاری‌های دوجانبه‌ی ایران و چین برخوردار می‌باشد. این بند در فاصله‌ی کمتر از ۲۰۰ کیلومتری بندر گوادر پاکستان و در جنوب استان سیستان و بلوچستان ایران واقع شده و به‌دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود به‌عنوان ارزان‌ترین و امن‌ترین مسیر ارتباطی کشورهای آسیای میانه با دریای آزاد به حساب می‌آید؛ از این‌رو، چین با استفاده از مسیر چابهار می‌تواند از مزایای بازار ۷۵ میلیون نفری آسیای مرکزی بهره‌مند گردد (عزتی و شکر، ۱۳۹۱، ۲). اهمیت دیگر بندر چابهار برای چین را می‌توان در امکان وجود برقراری ارتباط میان چابهار و کریدور ایران، عراق و سوریه و درنهایت اتصال به بندر لاذقیه جستجو کرد. درواقع، چین می‌تواند از طریق بندر چابهار خود را به سواحل دریای مدیترانه متصل نماید و علاوه بر آن به ذخایر نفت و گاز موجود در شمال و جنوب سوریه نیز دسترسی داشته باشد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸).

در کنار این موارد، آمریکا طی سال‌های اخیر به‌خصوص در دوران ریاست جمهوری ترامپ، تلاش کرده تا با اعمال سیاست فشار حداکثری به‌منظور کسب بیشترین دستاوردهای ممکن در برابر ایران و

همین دلیل، با مطرح‌شدن کریدور چین-پاکستان در مجموع در حدود ۱۸ هزار نیرو از طرف ارتش پاکستان به منظور تأمین امنیت اتباع چینی به منطقه اعزام شدند. با این‌وجود، هنوز هم در طی این سال‌ها این منطقه بستر حوادث تروریستی گوناگونی بوده است. در سال ۲۰۱۹ در جریان یک حمله‌ی مسلحانه به اتوبوسی در ایالت بلوچستان پاکستان، ۱۴ نفر از مسافران کشته شدند. این اتوبوس از شهر کراچی پاکستان به سمت شهر بندری گوادر در حال حرکت بود. در حدود ۲۰ روز بعد از وقوع این حادثه نیز حمله‌ی تروریستی دیگری در یکی از بزرگ‌ترین هتل‌های شهر گوادر اتفاق افتاد. با وجود حضور تعداد زیادی از نیروهای امنیتی در این هتل، سه مهاجم مسلح وابسته به ارتش آزادی‌بخش بلوچستان توانستند خود را به آنجا نزدیک کنند و به سمت افراد حاضر در هتل تیراندازی کردند. در جریان این حادثه پنج نفر از کارکنان و نیروهای امنیتی هتل به همراه مهاجمان کشته شدند (Notezai, ۲۰۱۹ و [Mustikhan](#), ۲۰۱۶).

۶ تهدید حضور چین در بندر چابهار ایران برای آمریکا و متحدانش

در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دو دلیل بستر مناسبی برای گسترش روابط میان ایران و چین فراهم شد. از یک طرف، نیازهای چین به منابع انرژی افزایش پیدا کرد و ایران به‌عنوان کشوری بهره‌مند از منابع نفت و گاز، ظرفیت لازم برای پاسخ‌گویی به این نیاز چین را دارد. از طرف دیگر، با شروع قرن ۲۱ میلادی، فشارهای آمریکا به اتحادیه‌ی اروپا و متحدان خود در غرب، شرق و جنوب آسیا باعث کاهش میزان حجم تجارت خارجی ایران با این کشورها شد و در نتیجه فضای مطلوبی برای تعمیق روابط دو کشور ایجاد شد. در همین راستا، شرکت‌های چینی به بازار کمتر توسعه‌یافته‌ی ایران دسترسی پیدا کردند و در مواردی نظیر گسترش ظرفیت پالایشگاه، تزریق سرمایه به صنایع

علاقه‌ای به دکتترین عدم‌تعهد ندارد. وی یک سال پس از تشکیل دولت‌ش، در سال ۲۰۱۵ باراک اوباما را به‌عنوان مهمان اصلی مراسم رژه‌ی روز جمهوری دعوت کرد و همچنین در طی سخنرانی خود در نشست مشترک کنگره‌ی آمریکا در ژوئن ۲۰۱۶ اعلام کرد که مشارکت طولانی مدت با آمریکا، به هند برای دستیابی به منافع بلندمدت خود کمک خواهد کرد؛ از این رو دو کشور در دوران نخست وزیر مودی عملاً تبدیل به متحدان استراتژیک یکدیگر شده‌اند (Kaura، ۲۰۱۸، ۳۸).

یکی از مهم‌ترین دلایل همگرایی هند و آمریکا از این واقعیت نشأت می‌گیرد که هر دوی آن‌ها چین را به‌عنوان رقیب استراتژیک خود در نظر گرفته‌اند. روابط رسمی میان دو کشور هند و چین از سال ۱۹۵۰ آغاز شد. در سال‌های ابتدایی روابط میان دو کشور تا حدود زیادی مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط فی‌مابین بود، اما با آغاز سال ۱۹۶۲ فضای عدم اعتماد میان طرفین به اوج خود رسید. اشغال تبت و الحاق آن به خاک چین در سال ۱۹۵۰ میلادی، اجتناب چین از به رسمیت شناختن خط مک‌ماهون (مرز تعیین‌شده توسط بریتانیا در سال ۱۹۱۴ بین هند و تبت) به‌عنوان مرز رسمی میان دو کشور، ادعای چین مبنی بر حمایت هند از شورشیان تبت در سال ۱۹۵۹ و موافقت هند با تشکیل دولت در تبعید تبت در خاک این کشور از جمله دلایلی است که منجر به آغاز جنگ سال ۱۹۶۲ میان طرفین شد. با وجود اینکه این جنگ، با شکست تحقیرآمیز هند به پایان رسید، اما همچنان تاکنون اختلافات مرزی میان دو طرف باقی مانده است. در طی سال‌های بعد از جنگ نیز بعضاً وقایعی نظیر دومین آزمایش اتمی هند در سال ۱۹۹۸ و حمایت چین از پاکستان در برابر هند، باعث افزایش شدت تنش‌های میان دو طرف شد (کاوه و محمدی، ۱۳۹۷، ۱۶۸-۱۷۱).

در چنین شرایطی هند به‌منظور برقراری تعادل میان قوا در منطقه‌ی جنوب آسیا و محافظت از خود در برابر تهدیدات ناشی از چین و پاکستان به سمت آمریکا گرایش پیدا کرده است. لذا در سطح

محور مقاومت، این کشور را در یک انزوای کامل سیاسی و اقتصادی قرار دهد (Atlantic Council، ۲۰۲۰). در نتیجه سرمایه‌گذاری چین در بندر چابهار، در چارچوب تفاهم‌نامه‌ی ۲۵ ساله و یا ابتکار یک کمربند-یک‌جاده، عملاً به‌عنوان شکست سیاست‌های آمریکا در قبال انزوای ایران و محاصره‌ی استراتژیک چین تلقی خواهد شد (Daniels، ۲۰۱۳، ۹۹). از این رو، ایالات متحده آمریکا در نظر دارد تا با کمک بازوهای رسانه‌ای خود در داخل و خارج از ایران و همچنین همراهی برخی از کشورهای منطقه نظیر هندوستان مانع از شکل‌گیری این اتحاد در بندر چابهار شود.

۷ نقش هند به‌عنوان رقیب منطقه‌ای چین در کریدور چین-پاکستان

در طول سال‌های جنگ سرد رویکرد ضدامپریالیستی هند باعث شد تا طی این برهه میزان همکاری‌های این کشور با آمریکا به کمترین حد ممکن برسد. اما با سقوط شوروی و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی بازارمحور از طرف هندوستان، از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد، روابط میان دو کشور بهبود پیدا کرد. در طی این سال‌ها در کنار رشد میزان تبادلات تجاری و مالی هند و آمریکا، میزان همکاری‌های آن‌ها در زمینه‌های نظامی نیز گسترش چشمگیری پیدا کرده است. در حال حاضر، هند واردات اصلی دفاعی خود را از آمریکا انجام می‌دهد. همچنین، پس از حدود یک دهه گفتگو سرانجام در سال ۲۰۱۶ تفاهم‌نامه‌ی تبادل لجستیک میان دو کشور به امضا رسید. براساس مفاد مربوط به این تفاهم‌نامه هند و آمریکا متعهد خواهند شد تا با ایجاد استانداردها و سیستم‌های مشترک نظامی، قابلیت همکاری ارتش‌های خود با یکدیگر را ارتقا دهند. همچنین، بر این اساس بستر انتقال پیشرفته‌ترین فن‌آوری‌های نظامی میان دو کشور نیز فراهم خواهد شد. این تحولات نشانگر این نکته است که نارندرا مودی (نخست‌وزیر فعلی هند)

سرمایه‌گذاری در بندر چابهار را با کمک بانک صادرات- واردات هند به ایران داد. علاوه بر این، در طی توافقات به‌عمل‌آمده، دو طرف ملزم به همکاری برای احداث خط راه‌آهن بندر چابهار تا زاهدان نیز شدند. این تفاهم‌نامه با هدف ایجاد راه‌آهن چابهار به زاهدان به‌عنوان بخشی از کریدور سه‌جانبه‌ی حمل‌ونقل شمال و جنوب میان ایران، هند و افغانستان امضا شد. شرکت ایرکان هند نیز متعهد شده بود که تمام خدمات، امور زیرساختی و تأمین مالی این پروژه به ارزش حدود ۱.۶ میلیارد دلار را بر عهده بگیرد. اهمیت بندر چابهار ایران برای هند از این منظر می‌باشد که به‌دلیل نزدیکی این بندر به گوادری پاکستان، از مزایایی مشابه برخوردار است. ازسویی دیگر، چابهار می‌تواند مانع از محاصره‌ی استراتژیک هند از طرف چین و متحدان منطقه‌ای‌اش شود. با خروج یک‌طرفه‌ی دولت ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸، سرمایه‌گذاری طرف هندی در بندر چابهار تا حدود زیادی متوقف شد. این در حالی است که این بندر برای هند از تحریم‌های اعمالی آمریکا علیه ایران مستثنی است. با گذشت زمان و جدی شدن تفاهم‌نامه‌ی ۲۵ ساله‌ی ایران و چین، مجدداً توجه هند به سمت ایران و بندر چابهار جلب شد. به‌طوریکه در شهریور ماه سال ۱۳۹۹ «سابرامانیام جایشانکار» وزیر امور خارجه‌ی هند در طی سفری به تهران آمد. این اولین سفر رسمی وزیر امور خارجه‌ی هند به یک کشور خارجی پس از وقوع بیماری همه‌گیر کرونا بود. در طی این سفر، پروژه‌های زیرساختی توسعه‌ی بندر چابهار و همچنین پروژه‌ی خط آهن چابهار-زاهدان مجدداً بررسی شد. این در حالی است که سه روز پیش از این سفر نیز «راجنات سینگ» وزیر دفاع هند که نقش تعیین‌کننده‌ای در دولت «نارندرا مودی» دارد، در سفری اعلام‌نشده به ایران رفت تا با امیر حاتمی (وزیر دفاع ایران) دیدار کند (Chung و hindustantimes، ۲۰۲۰، ۲۰۱۷، ۳۲۳). درواقع به نظر می‌رسد که چرخش مجدد هند به سمت ایران بیش از آنکه نشان‌دهنده‌ی اهمیت حضور هند در بندر چابهار برای این کشور باشد،

منطقه‌ای اتحاد چین-پاکستان در برابر اتحاد آمریکا- هند قرار گرفته است. در همین راستا، بررسی سیاست‌های چند سال اخیر آمریکا در قبال هند نیز نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود تفاوت چشمگیر در سیاست‌های خارجی دولت‌های اوباما و ترامپ، هر دو مورد رویکرد یکسانی را در قبال هند در پیش گرفته‌اند و در سال‌های اخیر روابط این دو کشور توسعه پیدا کرده است (Foreignpolicy، ۲۰۲۰). در همین چارچوب، از زمان مطرح شدن ایده‌ی ابتکار یک‌کمربند- یک‌جاده، هند واکنش مثبتی در قبال این طرح از خود نشان نداد. درواقع مشارکت هند در این ابتکار عملاً به معنای پذیرش نفوذ چین در محدوده‌ی جنوب آسیا و اقیانوس هند به حساب می‌آید؛ زیرا توان مالی یکن برای جذب کشورهای این حوزه به سمت خود به مراتب بیشتر از هند می‌باشد و در حال حاضر نیز کشورهای سریلانکا، بنگلادش و بوتان اشتیاق زیادی از خود برای مشارکت در این طرح نشان داده‌اند.

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های هند درخصوص ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده به کریدور چین-پاکستان باز می‌گردد. دلیل این نگرانی این است که قسمتی از این کریدور از کشمیر عبور می‌کند. همزمان با استقلال هند و پاکستان از بریتانیا در سال ۱۹۴۷ میلادی، ایالت‌های این منطقه در الحاق به هر یک از این دو کشور اختیار کامل داشتند، اما با گذشت زمان اختلاف میان دو کشور هند و پاکستان بر سر این منطقه شدت گرفت.

مشارکت هند در ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده، عملاً به معنای پذیرش حاکمیت پاکستان بر منطقه‌ی کشمیر می‌باشد و از آنجایی که این منطقه از اهمیت بسیار بالایی برای هند برخوردار است، به نظر می‌رسد که این کشور تمایلی به همگرایی با این ابتکار از خود نشان ندهد (Chung، ۲۰۱۸، ۳۲۶).

در واکنش به کریدور اقتصادی چین- پاکستان، هند اعلام کرد که تمایل دارد تا در بندر چابهار ایران سرمایه‌گذاری کند. پس از رفع تحریم‌های ایران در طی توافقنامه‌ی برجام در سال ۲۰۱۶، هند پیشنهاد

سیاست خارجی خود را در آسیای میانه و خاورمیانه متمرکز نماید و تنش‌های جمع صفر خود را با ایالات متحده در آسیای شرقی به حداقل برساند. البته این رویکرد عملاً به معنای کنار گذاشتن کامل منطقه‌ی شرق آسیا از سیاست‌های چین نیست؛ بلکه این کشور در نظر دارد تا یک تعادل بین تأکید تاریخی خود بر منطقه‌ی آسیای شرقی و غرب آسیا برقرار نماید.

میزان موفقیت چین برای پیاده‌سازی استراتژی «حرکت به سمت غرب» تحت تأثیر این واقعیت قرار دارد که شرکای راهبردی این کشور در این استراتژی تا چه حدی ظرفیت و اراده‌ی کافی برای همگرایی با چین را در این مسیر دارند. در میان کشورهای حاضر در منطقه‌ی جنوب و جنوب غربی آسیا، جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که چنین قابلیت‌هایی را دارا می‌باشد. عدم وابستگی ایران به نظام سلطه، قرارگیری در موقعیت جغرافیایی مناسب، برخورداری از منابع عظیم انرژی و ظرفیت‌های ایران در برقراری امنیت جغرافیایی اسلامی از جمله مهم‌ترین دلایل این ادعا به حساب می‌آیند.

با توجه به مطالب عنوان‌شده همکاری راهبردی میان ایران و چین به‌عنوان تنها اتحادی به حساب می‌آید که در آن توازن قوا به سود آمریکا نیست؛ لذا ایالات متحده آمریکا با همراهی متحدان منطقه‌ای خودش (پاکستان، هندوستان و برخی از کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس) بازی جدیدی را طرح‌ریزی نمود که از طریق آن مانع از شکل‌گیری همکاری ترانزیتی دو کشور ایران و چین در راستای توسعه‌ی بندر چابهار شده است.

به‌منظور پیاده‌سازی این بازی، از یک طرف برای دور کردن چین از ایران در گام اول آمریکا به پاکستان برای مشارکت در کریدور اقتصادی چین-پاکستان چراغ سبز نشان داد و از طرف دیگر، عربستان سعودی و امارات نیز به‌عنوان یکی دیگر از متحدان منطقه‌ای آمریکا سرمایه‌گذاری کلانی را در بندر گوادر پاکستان ترتیب داده‌اند.

نشان‌دهنده‌ی اهمیت عدم حضور چین در بندر چابهار برای دو کشور آمریکا و هند است.

۸ راهبرد آمریکا برای ایجاد شکاف میان ایران و چین در بندر چابهار

چین در طی چندین دهه‌ی اخیر با اتخاذ سیاست‌های مناسب در حوزه‌های گوناگون داخلی و خارجی خود توانسته به پیشرفت‌های چشمگیری دست پیدا کند. کسب این موفقیت‌ها در کنار قابلیت‌های گسترده‌ی این کشور باعث شده تا چین از آغاز دهه‌ی دوم قرن بیست و یک میلادی به‌عنوان تهدیدی جدی برای هژمونی اقتصادی آمریکا به حساب بیاید. در حال حاضر، دامنه‌ی اختلافات میان این دو قدرت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فنی گسترش پیدا کرده است؛ به‌طوری‌که به نظر می‌رسد آن‌ها عملاً گرفتار یک جنگ سرد جدید هستند. در واکنش به این شرایط، آمریکا به‌منظور محدودسازی توان تولیدی و نفوذ بین‌المللی چین سیاست محاصره‌ی استراتژیک این کشور را دنبال کرد. در این میان، عمده‌ی تنش‌های میان دو طرف نیز معطوف به منطقه‌ی شرق آسیا می‌باشد؛ جایی که پکن و واشنگتن بر سر مسائلی نظیر مالکیت چین بر دریای جنوب چین، تایوان، هنگ‌کنگ، برونئی و برخی دیگر از کشورهای کوچک این منطقه با یکدیگر تنش دارند. در واقع ایالات متحده، دریای جنوب چین را جزئی از آب‌های بین‌المللی خود می‌داند و بر حق قانونی کشتی‌ها و زیردریایی‌هایش برای رفت‌وآمد در این دریا تأکید دارد و مخالف ساخت تأسیسات نظامی و دریایی توسط چین در این منطقه است.

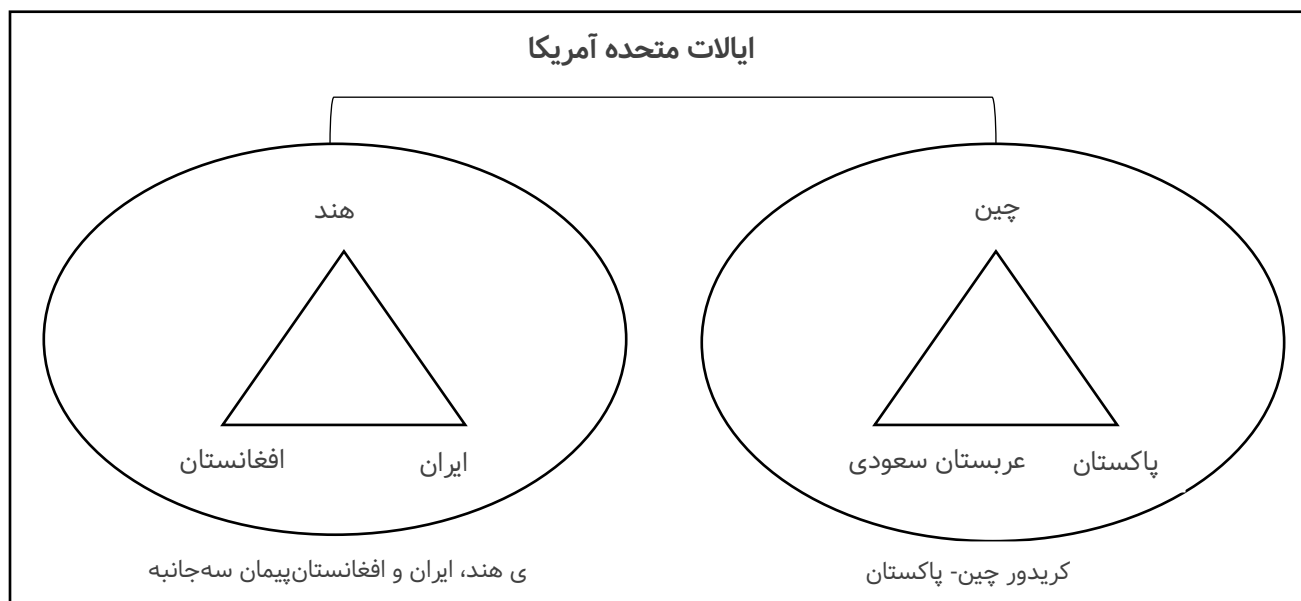
به نظر می‌رسد که چین نیز در واکنش به شرایط موجود در شرق آسیا، در چارچوب ابتکار یک‌کمربند-یک‌جاده رویکردی تحت عنوان «حرکت به سمت غرب» را در پیش گرفته است. در واقع بر مبنای این استراتژی این کشور در نظر دارد تا

در در گام دوم این بازی نیاز بود تا تمایل ایران برای حضور چین در بندر چابهار ایران فروکش کند؛ به همین دلیل، با امضای توافقنامه‌ی برجام هند به‌عنوان یکی دیگر از متحدان راهبردی آمریکا، اجازته‌ی حضور در بندر چابهار ایران را پیدا کرد. متأسفانه در آن مقطع زمانی دولت جمهوری اسلامی ایران نیز با انتخاب طرف هندی و کنار گذاشتن پکن در پروژه‌ی توسعه‌ی بندر چابهار وارد این بازی شد. در ادامه شروع دور جدید تحریم‌ها علیه ایران نیز باعث کاهش میزان جذابیت بندر چابهار ایران برای سرمایه‌گذاران چینی شد. نکته‌ی قابل‌توجه این است که در طی این مدت پروژه‌ی توسعه‌ی بندر چابهار از طرف هندی‌ها از تحریم‌های دور جدید آمریکا علیه ایران معاف بود، اما با این وجود در طی این چند سال تغییری در وضعیت این بندر صورت نگرفت و به بهانه‌های مختلف سرمایه‌گذاری طرف هندی در چابهار ناتمام ماند.

با توجه به موارد عنوان‌شده شکل شماره‌ی ۱ نشان‌دهنده‌ی وضعیت واقعی اتحادهای شکل‌گرفته در منطقه‌ی خاورمیانه و جنوب آسیا است. در واقع، هرکدام از اتحادهای ناشی از کریدور اقتصادی چین-پاکستان و پیمان سه‌جانبه‌ی هند، ایران و افغانستان دارای اضلاعی هستند که به‌عنوان متحد راهبردی آمریکا در منطقه در حال فعالیت هستند و توازن قوا در این اتحادها به گونه‌ای است که همراستا با منافع آمریکا است. از طرف دیگر، این اتحادها مانع از پیوند میان ایران و چین در راستای توسعه‌ی بندر چابهار ایران شده‌اند.

از سال ۱۹۴۷ تاکنون ۳ کودتای نظامی در پاکستان اتفاق افتاده که پس از آن دولت‌های وابسته به ارتش، قدرت را در دست گرفتند. بررسی عملکرد سیاسی این دولت‌ها نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که هر سه‌ی آن‌ها وابستگی بسیار زیادی به آمریکا داشته و به‌عنوان متحدان راهبردی این کشور در منطقه عمل می‌کردند. در حال حاضر نیز با وجود گذشت بیش از دو دهه از وقوع آخرین کودتای نظامی در پاکستان هنوز خطر وقوع کودتا به‌عنوان تهدیدی جدی برای دولت عمران خان به حساب می‌آید. بروز مشکلات مالی ناشی از وپروس کرونا، بدهی بالای دولت به چین در راستای تحقق کریدور اقتصادی چین-پاکستان و افزایش میزان نفوذ ارتش در بدنه‌ی دولت از مهم‌ترین نشانه‌های وجود این تهدید برای دولت می‌باشد.

ازسویی دیگر، سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در کریدور اقتصادی چین-پاکستان باعث فراهم آوردن بستری برای افزایش میزان نفوذ عربستان در میان احزاب سیاسی پاکستان شده است. عملکرد دولت عمران خان در پاکستان در مواردی نظیر استقبال کم‌سابقه از وام‌ها و سرمایه‌گذاری عربستان در بخش‌های انرژی این کشور، سکوت معنادار اسلام‌آباد در برابر تمایل چین برای همکاری با ایران در پروژه‌ی «کریدور اقتصادی چین-پاکستان» و در طرح توسعه‌ی بندر چابهار و کارشکنی‌های طرف پاکستانی در قبال خط لوله‌ی صلح نشان‌دهنده‌ی نفوذ فزاینده‌ی لابی ضدایرانی واشنگتن-ریاض در ساختار حکومتی پاکستان می‌باشد.



شکل ۲ مدل همگرایی کریدور چین- پاکستان و پیمان سه جانبه ی هند-ایران-افغانستان با منافع آمریکا (منبع: پژوهشگر)

می تواند برای ترسیم وضعیت موجود و انتخاب بهترین رویکرد برای دو طرف مناسب باشد.

با توجه به وضعیتی که ایران و چین در درون آن قرار دارند، به نظر می رسد که استفاده از نظریه ی بازی ها

		ایران	
		همکاری با هند در راستای توسعه ی بندر چابهار	همکاری با چین در راستای توسعه ی بندر چابهار
چین	سرمایه گذاری در بندر گوادر پاکستان	(۱) I, C	(۲) I-, C
	سرمایه گذاری در بندر چابهار ایران	(۳) I, C-	(۴) I+, C+

شکل ۳ الگوی بازی ایران و چین (منبع: پژوهشگر)

خواهند رسید. در واقع، در این حالت دو کشور در وضعیت تعادل نش قرار خواهند گرفت و طبیعی است که انگیزه ای برای تغییر موضع خود نخواهند داشت.

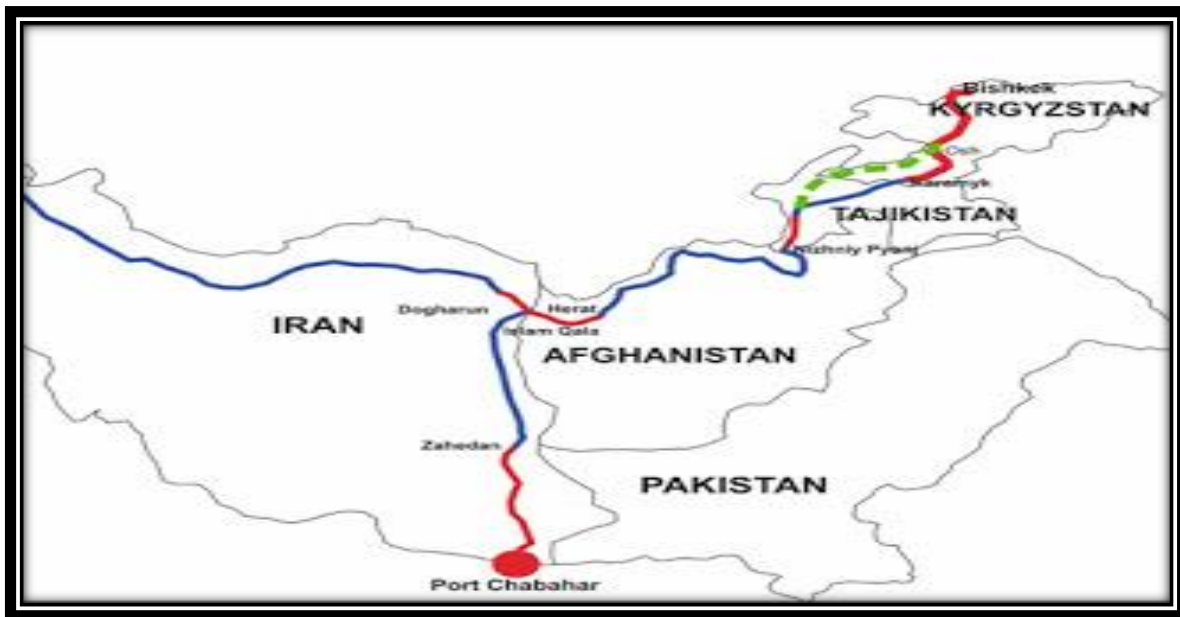
ایران می تواند با استفاده از ظرفیت های سرمایه گذاری چین علاوه بر توسعه ی زیرساخت های

مطابق شکل شماره ی ۳ در حال حاضر دو کشور ایران و چین در وضعیت شماره ی ۱ قرار دارند. در این وضعیت هر دو کشور در اتحادیه ای قرار دارند که توازن قوا در آن ها به سمت منافع آمریکا است. بررسی گزینه های مختلف نشان می دهد که دو کشور در وضعیت شماره ی ۴ به حالت مطلوب

تاجیکستان و قرقیزستان) و پاکستان-چین متصل بوده و از هر دو مسیر قابلیت انتقال کالا را فراهم می‌سازد. در این حالت، با وقوع هرگونه بحرانی در پاکستان، چین می‌تواند با جایگزینی مسیر کریدور کتای با کریدور اقتصادی چین-پاکستان و اتصال آن به استان‌های غربی خود، درعین‌حالی که به همان منافع مد نظرش از کریدور اقتصادی چین-پاکستان دست پیدا بکند، توازن قوای اتحادهای منطقه‌ای را نیز به نفع خود تغییر بدهد. از طرف دیگر، گزینه‌ی احتمالی آمریکا از تغییر شرایط پاکستان به‌منظور ضربه زدن به کریدور پاکستان-چین نیز به‌طور جدی کاهش پیدا می‌کند و این خود به‌عنوان یک عامل بازدارنده برای آمریکا به حساب می‌آید.

ترانزیتی خود در بندر چابهار، بستر مناسبی را برای رفع محرومیت‌های موجود در استان سیستان و بلوچستان فراهم بیاورد. همچنین، انتظار می‌رود که توسعه‌ی ظرفیت‌های ترانزیتی کشور و درآمدهای ناشی از آن بتواند جایگزین مناسبی برای اقتصاد وابسته به نفت در کشور باشد.

در طرف مقابل، چین با اتصال بندر چابهار ایران به مسیر ریلی و جاده‌ای کریدور پاکستان-چین و جایگزینی آن با بندر گوادر پاکستان خواهد توانست تا حدود زیادی از میزان ریسک سرمایه‌گذاری خود در پاکستان به‌عنوان متحد ایالات متحده بکاهد. درواقع، بندر چابهار ایران این امتیاز را دارد که به‌طور همزمان به دو کریدور کتای (ایران، افغانستان،



شکل ۴ مسیر ریلی کریدور کتای

و رقابت قرار داشته است. اما از آغاز دهه‌ی دوم قرن بیست و یکم میلادی چین به‌عنوان تهدیدی جدی برای قدرت آمریکا در جهان مطرح گردیده و رقابت میان دو کشور عملاً وارد مرحله‌ی جدیدی شده است؛ از این‌رو ایالات متحده آمریکا در نظر دارد تا با

۹ نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شده تا مواضع قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای اثرگذار بر کریدور اقتصادی چین-پاکستان مورد بررسی قرار بگیرد. در طول تاریخ روابط میان آمریکا و چین بر روی طیفی از همکاری

چین- پاکستان، پیمان سه‌جانبه‌ی هند، ایران و افغانستان در راستای توسعه‌ی بندر چابهار به امضا رسید. وابستگی سیاسی و نظامی هند به آمریکا باعث شده تا اقدامات این کشور تنها در چارچوب منافع آمریکا صورت بپذیرد و عملاً این پیمان نیز تحت مدیریت ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

در نتیجه با وجود چنین شرایطی چین می‌تواند با جایگزینی بندر چابهار ایران با بندر گوادر پاکستان ریسک ناشی از وابستگی زیاد مسیرهای ترانزیتی خود به شرایط امنیتی و سیاسی پاکستان را کاهش دهد و از طرف دیگر ایران نیز از منافع ناشی از توسعه‌ی بندر چابهار بهره‌مند گردد. با توجه به اهمیتی که کریدور اقتصادی کتای برای دو کشور ایران و چین دارد، در ادامه این پژوهش و در راستای مطالعات آینده، بررسی فرصت‌ها و تهدیدات پیش روی توسعه‌ی کریدور کتای اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت.

کمک متحدان منطقه‌ای خود در شرق، غرب و جنوب آسیا، چین را در محاصره‌ی استراتژیک خود قرار دهد. بخش مهمی از این استراتژی از طریق بازی‌ای که این کشور از طریق کریدور اقتصادی چین- پاکستان و پیمان سه‌جانبه‌ی هند-ایران- افغانستان به راه انداخته، در حال پیگیری می‌باشد.

نفوذ بالای ارتش بر روی ساختار سیاسی پاکستان و همچنین وابستگی این نهاد نظامی به آمریکا باعث شده تا کریدور اقتصادی چین- پاکستان تبدیل به یک واگرایی قابل مدیریت برای ایالات متحده آمریکا شود. در چنین شرایطی، خطر وقوع کودتای نظامی در پاکستان همواره تهدیدی جدی برای منافع چین در راستای کریدور اقتصادی چین- پاکستان به حساب می‌آید. از سویی دیگر، در پژوهش حاضر به معضلات امنیتی موجود در پاکستان و سابقه‌ی پیشین چین در قبال این دسته از معضلات اشاره شد. در مقابل، کریدور اقتصادی

منابع

مطالعات شبه‌قاره‌ی دانشگاه سیستان و

بلوچستان، ۱۱ (۳۷)، ۲۵-۴۴.

دنیای اقتصاد (۱۳۹۹)، «دولت سعودی به دنبال کودتا در پاکستان است؟»
<https://b2n.ir/941482>

سجادپور، محمدکاظم؛ پورقربان نیایی، آسیه (۱۳۹۷)، «چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه‌ی آسیای مرکزی»، *فصل‌نامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز*، ۳ (۱۰۳)، ۶۶-۹۹.

سلیمانی، علیرضا؛ خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۱)، «عنوان فارسی: بررسی روابط آمریکا و پاکستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر فعالیت‌های طالبان پاکستانی»، *آفاق امنیت*، ۵ (۱۶)، ۱۵۷-۱۸۶.

آجیلی، هادی؛ سلامی زواره، مهدی؛ فلاحی، مهرداد (۱۳۹۶)، «امنیت انرژی چین در راستای طرح یک‌کمربند- یک‌جاده»، *فصل‌نامه‌ی تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۳۳، ۶۳-۹۴.

بخشی‌آنی، رضا؛ عباسی، مجید؛ رحیمی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۹)، «متغیرهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر روابط راهبردی ایران و چین»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل* (در دست داوری).

دبیری، علی؛ حافظانیا، محمدرضا؛ صفوی، سید یحیی؛ اخباری، محمد، (۱۳۹۸)، «تحلیل مکانی- فضایی شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی در نواحی مرزی افغانستان با پاکستان»، *دوفصل‌نامه‌ی*

عبدلی، قهرمان (۱۳۸۷)، *نظریه‌ی بازی‌ها و کاربردهای آن*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

عزتی، عزت‌الله؛ شگری، شمس‌الدین (۱۳۹۱)، «بررسی جایگاه چابهار در ترانزیت شمال جنوب و نقش آن در توسعه‌ی شهرهای همجوار»، *فصل‌نامه‌ی جغرافیایی سرزمین*، ۹ (۴)، ۱-۱۴.

کاوه، اسدالله؛ محمدی، طاهره (۱۳۹۷)، «روابط هند و چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک»، *فصل‌نامه‌ی سیاست خارجی*، ۳۲ (۱)، ۱۶۳-۱۹۶.

صرافی‌زیدی، غلامرضا؛ نجابی، جواد؛ صبری، محسن (۱۳۹۰)، «ساختار قدرت در پاکستان و علل ناپایداری سیاسی آن»، *فصل‌نامه‌ی علوم سیاسی*، ۹ (۱۶)، ۹۰-۶۳.

طالبی آرانی، روح‌الله (۱۳۹۵)، «تأملی بر سیاست خارجی اقتصادمحور چین در آغاز سده‌ی بیست و یکم»، *مرکز پژوهش‌های مجلس*.

طاهرخانی، ستاره (۱۳۹۰)، «درآمدی بر نظریه‌ی بازی»، *فصل‌نامه‌ی سیاست خارجی*، ۲۵ (۱)، ۲۱۹-۲۴۲.

Akhtar, S. (2012). "Dynamics of USA-Pakistan relations in the post 9/11 period: Hurdles and future prospects". *International Journal of Humanities and Social Science*, 2(11), 205-213.

Aoyama, R. (2016). "One belt, one road": China's new global strategy". *Journal of Contemporary East Asia Studies*, 5(2), 3-22.

Atlanticcouncil, 2019, "How to fix the "maximum pressure" campaign on Iran", <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/how-to-fix-the-maximum-pressure-campaign-on-iran>.

Calabrese, john. 2020, "China-Iran Relations: The Not-So-Special Special Relationship", <https://jamestown.org/program/china-iran-relations-the-not-so-special-special-relationship/>.

Chaziza, M. (2016). "China-Pakistan relationship: a game-changer for the Middle East?". *Contemporary review of the Middle East*, 3(2), 147-161.

Chung, C. P. (2018). What are the strategic and economic implications for South Asia of China's Maritime Silk Road initiative?. *The Pacific Review*, 31(3), 315-332.

Daniels, R. (2013). "Strategic competition in South Asia: Gwadar, Chabahar, and the risks of infrastructure development." *American Foreign Policy Interests*, 35(2), 93-100.

Fiori, A., & Passeri, A. (2015). "Hedging in search of a new age of non-alignment: Myanmar between China and the USA." *The Pacific Review*, 28(5), 679-702.

Foreignpolicy, 2020, "India and the United States Need Each Other Mostly Because of China", <https://foreignpolicy.com/2020/>

- [08/03/india-united-states-balancing-china-threat/.](https://www.defensenews.com/global/mideast-africa/2019/07/23/money-isnt-everything-pakistan-seeks-more-than-us-funds-in-meeting-with/)
- Gould, Joe & Ansari, Usman. (2019). "Money isn't everything: Pakistan seeks more than US funds in meeting with Trump", [https://www.defensenews.com/global/mideast-africa/2019/07/23/money-isnt-everything-pakistan-seeks-more-than-us-funds-in-meeting-with.](https://www.defensenews.com/global/mideast-africa/2019/07/23/money-isnt-everything-pakistan-seeks-more-than-us-funds-in-meeting-with/)
- Hindustantimes, (2020). "Defence Minister Rajnath Singh meets Iran's General Hatami, discusses bilateral issues", <https://www.hindustantimes.com/world-news/defence-minister-rajnath-singh-discusses-bilateral-ties-regional-security-with-iranian-counterpart/storyqx0qqS230bhWmEdSjkGV5M.html>.
- Kaura, Vinay. "India-US Relations: From Distant Partners to an Alliance." *Parameters* 48.3 (2018): 37-46.
- Kennedy, Scott. (2015). "Made in China 2025", *Center for Strategic and International Studies*. Available at: <http://csis.org/publication/made-china-2025>.
- Laskar, Rezaul. (2021). "Biden's pick for Pentagon chief says Pak action against LeT, JeM 'incomplete'." <https://www.hindustantimes.com/india-news/bidens-pick-for-pentagon-chief-says-pak-action-against-let-jem-incomplete-10161119883610.html>.
- Layne, Christopher, (2020), "Coming Storms The Return of Great-Power War," <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2020-10-13/coming-storms>.
- Leung, G. C. (2011). "China's energy security: Perception and reality". *Energy Policy*, 39(3), 1330-1337.
- Mistry, D. (2019). "convergence in US-Pakistan security relations." *Asian Security*, 1-20.
- Mustikhan, Ahmar. (2016). Half million Chinese to take Gwadar by 2023: Report. The times of india, [https://timesofindia.indiatimes.com/blogs/balochistan-insight/half-million-chinese-to-take-gwadar-by-2023-report/.](https://timesofindia.indiatimes.com/blogs/balochistan-insight/half-million-chinese-to-take-gwadar-by-2023-report/)
- NOTEZAI, MUHAMMAD AKBAR, (2019), "Will Balochistan Blow Up China's Belt and Road?", <https://foreignpolicy.com/2019/05/30/will-balochistan-blow-up-chinas-belt-and-Regional-Cooperation-Agreement-on-Combating-Piracy-and-Armed-Robbery-against-Ships-in-Asia,2020,3rd-quarter-report,https://www.recaap.org/resources/ck/files/reports/quarterly/ReCAAP%20ISC%203rd%20Quarter%202020%20Report.pdf>.
- Rapoport, A. (2018). International relations and game theory. In *Arms Control and Disarmament* (pp. 39-50). Palgrave Macmillan, Cham.
- Reuters, (2020). UPDATE 1-China Sept crude oil imports up 2.1% m/m as port congestion eases, <https://www.reuters.com/article/china-economy-trade-oil/>
- Robinson, D. R., & Goforth, D. J. (2004). *Alibi games: The asymmetric prisoner's dilemmas*. Toronto, June, 4.

- Shepardson, David.(2018). "Trump says U.S. has gotten 'nothing' from Pakistan aid", <https://www.reuters.com/article/us-trump-pakistan-idUSKBN1EQ112>.
- Shichor, Y. (2018). "Gains and Losses: Historical Lessons of China's Middle East Policy OBOR Initiative." *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 12(2), 127-141.
- Shoukat, A., & Gomez, E. T. (2018). "Transformation of political elite as regime changes in Pakistan." *Asian Journal of Political Science*, 26(1), 35-52.
- Siddiqui, Taha. (2019). "Poor Nation, Rich Army", <https://foreignpolicy.com/2019/03/21/poor-nation-rich-army/>.
- Siddiqui, Zuha. (2020). "In Pakistan, the Army Tightens Its Grip", <https://foreignpolicy.com/2020/07/08/in-pakistan-the-army-tightens-its-grip/>. South asia terrorism portal, 2020. <https://www.satp.org/datasheet-terrorist-attack/explosions/pakistan>.
- Snidal, D. (1985). The game theory of international politics. *World Politics: A Quarterly Journal of International Relations*, 25-57.
- Sun, Y. (2013). "March West: China's Response to the U.S. Rebalancing", <https://www.brookings.edu/blog/up-front/2013/01/31/march-west-chinas-response-to-the-u-s-rebalancing/>.
- Sushentsov, Andrey. (2013), "U.S. MILITARY PRESENCE IN ASIA-PACIFIC REGION", <http://www.foreignpolicy.ru/en/analyses/u-s-military-presence-in-asia-pacific-region>.
- Tema, M. (2014). Basic assumptions in game theory and international relations. *International Relations Quarterly*, 5(1), 1-4.
- Zhang, Z. (2011). "China's energy security, the Malacca dilemma and responses". *Energy policy*, 39(12), 7612-7615.
- Zubir, M., & Basiron, M. N. (2005). "The Strait of Malacca: the Rise of China, America's Intentions and the Dilemma of the Littoral States" , *Maritime Studies*, 2005(141), 24-26.